

من امروز یک کفشدوزک دیدم!

سعید نیکو خصلت: امروزه کفشدوزک و بسیار حشرات مفید دیگر در این شهر در اثر مصرف بی‌رویه سم خبری نیست؛ سرانه مصرف سم در کشور ما هفت برابر سرانه کشورهای توسعه یافته است.



در ابتدای ورود به شورا از طریق چند تن از اساتید خبره و کاربلد دانشگاه شهید مدنی آذربایجان با تخصص در زمینه کنترل بیولوژیکی آفات، اطلاعاتی به دست آوردم؛ مبنی بر این که چندین سال است که از کفشدوزک و بسیار حشرات مفید دیگر در این شهر در اثر مصرف بی‌رویه سم خبری نیست؛ سرانه مصرف سم در کشور ما هفت برابر سرانه کشورهای توسعه یافته است و خبر مبهوت کننده این که 50% سرطان های دنیا ناشی از مصرف سم در کشاورزی و فضای سبز شهرهاست. بلاخره پس از صدها جلسه و سه بار تصویب در ردیف بودجه شهرداری، این هفته لایحه مربوطه در قالب قرارداد مشترکی بین دانشگاه و شهرداری تبریز با اکثریت آراء در شورای شهر به تصویب رسید؛ تا دانش فنی مربوطه که در آسیا در اختیار ژاپن می باشد؛ در طول بازه زمانی 24 ماهه با ایجاد زیرساخت های لازم در زمینه تولید نماتود (ماده بیولوژیکی غیر سمی برای کاهش مصرف سموم) ایجاد شود تا شهرداری تبریز از سال های آتی در راستای کاهش مصرف سم در سطح شهر با حداقل یک دهم قیمت های بین المللی، اقدامات اساسی نماید. گرچه این حرکت بدیع چندان در حیطه وظایف سنتی شهرداری نیست؛ با این حال علاوه بر رویکرد زیست محیطی، نقطه ی عطفی در ارتباط با دانشگاه توسط مدیریت شهری و حتی الهام بخش برای شهرهای دیگر خواهد بود و ان شاءالله درآمدی پایدار برای شهر.

اما جالب اینکه امروز عصر یعنی دو روز بعد از تصویب این لایحه کفشدوزکی از بین گردوهای تازه چیده شده از باغ به خانه ما رسیده بود و لحظاتی به یاد ماندنی همراه با تعجب و کمی هم چاشنی ترس را در خانه برای بچه ها رقم زد. آری به گمانم فرزندانم اولین بار بود که کفشدوزک می دیدند! و نمی دانستند که والدینشان روزگاری در این شهر هر روز کفشدوزک ها، پروانه ها، زنبوران، قاصدک ها، ملخ ها و بسیاری از حشرات دیگر را در اکوسیستم سالم آن زمان می دیدند. نکته جالب تر این که پس از دقایقی پسرم موضوع انشای امروزش را با من در میان گذاشت. موضوع انشاء بسیار جالب بود "نامه ای به دوست روستایی تان در خصوص ویژگی های شهرتان". من شروع کردم به صحبت با پسرم برای ایده پردازی تا شاید بتواند انشای مناسبی بنویسد. به او گفتم؛ فکر کنم دوست روستایی ات هر روز تلاءء طلوع طلایی خورشید بر دشت ها و غروب سرخگون خورشید در پس کوه ها را فارغ از آپارتمان های بلند شهری به خوبی می ببیند. راستی به او بگو که "امروز من یک کفشدوزک دیدم!"